

## شیطان پرستی در نگاه تاریخی

محمدباقر شریعتی سبزواری

### چکیده

تحرك انكشافی (علنی شدن مقدمات شیطان‌گرایی) از قرن دوازدهم شروع می‌شود و تا قرن بیست و یکم ادامه پیدا می‌کند. در این دوره است که شاهد پرده‌برداری از آیین‌های شیطانی در قوم یهود هستیم. نخستین پرده‌برداری، ترویج و شیوع سحر و جادو است که از قرن یازدهم آغاز می‌شود و امروز به اوج خود می‌رسد.

پرده دوم، از قرن سیزدهم با علنی کردن عرفان یهود (کابالا/ قبالا) آغاز می‌شود و امروز به اوج خود می‌رسد.

پرده سوم، عمل‌گرایی و رویکرد به دانش در عصر رنسانس است که با تکیه بر علوم سری و مبانی کابالا در چهارچوب سنت یهودی - مسیحی، رقم می‌خورد.

پرده چهارم، موسیقی شیطانی است که نمادها و آیین‌های شیطانی را آشکار می‌سازد.

پرده پنجم، سینمای شیطانی است که ایدئولوژی شیطان‌گرایی را در سراسر جهان تبلیغ می‌نماید و پرده‌های جادویی خود را در ذهن جهانیان منعکس می‌سازد، همانند ساحران فرعون که ریسمان‌ها را مارهای زنده و جنبنده نمایش می‌دادند، آنان نیز شیطان را مدبری قدرت‌مند معرفی می‌کنند. البته کانون اصلی شیطان‌پرستی با توجه به

ریشه‌های شیطان‌پرستی را در سرزمین هند بررسی نمودیم، اکنون برآنیم که به بررسی تاریخی شیطان‌پرستی بپردازیم و حرکت تکاملی شیطان‌گرایی را تا اواسط قرون وسطا و از طرف دیگر، تحرك انكشافی، افشاگری و ظهور علنی موازین آن را از نیمه دوم قرون وسطا تا شیطان‌گرایی مدرن، بررسی کنیم. در این روند قوم بنی‌اسرائیل، میراث‌بان و مروج شیطان‌گرایی می‌باشند. این قوم از دوره‌های کهن و باستانی، بر اثر حوادث روزگار در مصر، بابل، مناطق شمال آفریقا، جنوب غرب آسیا و جنوب شرق اروپا آواره بودند و به دلیل طبیعت انحرافی که داشتند، از تمدن‌های مختلف جهان استقبال می‌کردند و ضمن ستایش الهه باروری، فنون سحر، علوم جادویی و سایر علوم را فرا گرفتند و از قرن یازدهم تا سیزدهم، نظریه «تجلی» و سایر نگرش‌های عرفانی را از جهان اسلام به وسیله اعراب یهودی بر گنجینه حکمت پنهانی یهودی منتقل نمودند. به این ترتیب حرکت تکاملی سنت شیطانی، با محوریت خانواده‌های بزرگ و پرنفوذ یهودی تا هزاره اول مسیحیت که اواسط قرون وسطایی است، سپری شد.

تنوع و گستردگی آن در میان ملت‌ها، مشخص نیست و نمی‌توان نقطه‌ای را برای آن معین نمود.

روند پرده‌برداری از ایدئولوژی شیطانی در ابعاد دیگر نیز قابل تأمل و بررسی است که به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم.

#### مقدمه

در عصر شکوفایی علم و اختراعات که باید دست‌آوردهای علوم بشری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، موج شیطان‌پرستی باعث شده، دل‌سوزان و نخبگان به ارائه ریشه‌های تاریخی این پدیده شوم و نوظهور بپردازند تا جوان‌ها که دام‌های زیادی فرا راهشان گسترده شده است، در این ورطه هولناک سقوط نکنند و دچار ضلالت دینی و علمی نشوند، چراکه ضلالت علمی و اعتقادی، منشأ انحرافات فکری و عملی فراوانی می‌شود که مواد مخدر، شهوت‌پرستی و رها کردن علم و دانش، از ره‌آوردهای شوم و منحط آن است.

#### ادوار شیطان‌پرستی

شیطان‌گرایی یا شیطان‌پرستی، تاکنون ادوار سه‌گانه‌ای را پشت‌سر گذاشته است: (۱) شیطان‌پرستی بدوی، (۲) شیطان‌گرایی در قرون وسطا، (۳) شیطان‌گرایی مدرن.

**شیطان‌پرستی مدرن، به معنای پرستش شیطان به شیوه مدرن و امروزی است که در واقع بازسازی شیطان‌پرستی قرون وسطایی است و ریشه در دوران‌های پیشین داشته و آموزه‌ها و آیین‌های گذشته را در خود جای داده است و هم‌اکنون از نظر نسبتی که با نهاد سیاست و اقتصاد پیدا کرده، از اشکال پیشین شیطان‌گرایی به کلی جدا می‌شود. در هر حال برای**

شناخت دقیق شیطان‌گرایی مدرن، لازم است که گذری بر تاریخچه شیطان‌گرایی کهن داشته باشیم.

#### شیطان‌گرایی ابتدایی

اگر در ادوار پیشین نظری بیافکنیم، خواهیم دید که گروهی از یهودیان تا اواسط قرون وسطا به غنی‌سازی یافته‌های فرهنگی خود پرداختند و آن را بر شالوده شیطان‌گرایی استوار کردند. از آن پس؛ یعنی حدود سده‌های دوازدهم و سیزدهم، به تدریج از آیین و افکار خود پرده‌برداری نمودند و امروز می‌خواهند دنیا را با بینش‌ها و ارزش‌های خود هماهنگ سازند.

شیطان‌گرایی بدوی، ریشه‌های خرافی داشته و به انحراف از مسیر تعالیم پیامبران گذشته برمی‌گردد، ادیان ابتدایی که پیامبران الهی برای بشر می‌آوردند، (مثل دین ابراهیمی)، در راستای پیوند میان ساحت مادی و معنوی زندگی انسان بود. آنان می‌کوشیدند تا دست خلاق و روزی‌بخش خداوند متعال را در چرخه زندگی طبیعی آشکار سازند و از این رهگذر مسیر رشد و تعالی انسان را هموار سازند، به دنبال تعالیم انبیا عموم مردم کشت و زرع، برف و باران، سرما و سایر پدیده‌های طبیعی را نشانه‌ای از لطف و رحمت پروردگار می‌دانستند و همواره می‌کوشیدند تا با ایمان، نیایش، آیین‌های معنوی و تلاش و زحمت، رحمت و برکت او را در زندگی خود بیش از پیش جاری سازند. اما گاهی خشک‌سالی، طوفان، زلزله و یا آفتی می‌رسید و تمام تلاش آن‌ها را از بین می‌برد و زندگی را بر آنان تلخ و ناگوار می‌کرد، در این مواقع به‌وسیله تسویلات شیطانی از تعالیم انبیا منحرف شده و به تدریج معتقد

می‌شدند که همیشه تدبیر جهان به دست خداوند بخشنده و مهربان نیست، بلکه گاهی اوقات، نیروهای شرور و شیطانی هم دست در امور جهان دراز می‌کنند و بر سود و زیان و سرنوشت انسان مسلط می‌شوند، از این رو معتقد بودند شیطان و ارواح خبیثه، مستقلاً منشأ قدرت و اثر در عالم هستند و همین اندیشه که در برابر خدای خیرات و نیکی‌ها، مبدأ شرور و بدی‌ها قرار دارد، به باورهای ثنوی و دوگانه‌گرایی در الوهیت و ربوبیت انجامید و مردم گمان کردند که نیایش خداوند خیر و رحمت به تنهایی منافعشان را تأمین نمی‌کند و از بلاها و ناکامی‌ها خلاص نمی‌شوند و لازم است که کانون شرارت را هم ستایش کنند و برای تعظیم و تجلیل ابلیس و شیطان بزرگ نیز برنامه‌هایی داشته باشند، تا بدین ترتیب از اراده شوم شیطانی در امان بمانند. از این رو جشن‌های خاصی می‌گرفتند و در آن محافل سرور، به خاطر جلب رضایت شیاطین، زنان و مردان بی‌مهابا به هم می‌آمیختند، موسیقی‌های محرک جنسی نواخته می‌شد،<sup>۱</sup> گاهی خون انسان‌ها، خصوصاً کودکان را نیز تقدیم شیاطین می‌کردند؛<sup>۲</sup> قربانی کردن اولین فرزند به خصوص اگر پسر باشد، در بسیاری از قبایل بدوی، از جمله در میان عبرانیان رایج بوده است.<sup>۳</sup> عکس آن در عصر وثنیت (بت‌پرستی)، دختران بی‌گناه را به خاطر فراوانی آب و زراعت، در کنار بت‌کده‌ها به پای بت‌ها قربانی می‌کردند.

در بعضی از دوره‌های شیطان‌پرستی بدوی، رویکردی به پرستش و ستایش الهه‌های «باروری» و «زن» پیدا شد و رابطه مردم با شیطان‌پرستی به ظاهر

گسسته گردید. زمین به‌عنوان مرکز تولید انواع نعمت‌ها در حقیقت الهه باروری محسوب می‌شد و زن به‌عنوان تولیدکننده انسان نمودی از آن بود. آیین «آمیزش آزاد، نیایش و طلب باروری و برکت» گاهی در برابر الهه زمین و گاهی در مقابل خدای مذکر و بارورکننده (خورشید) اجرا می‌شد. نماد خدای مذکر در مصر خورشید بود و «آزیریس» نام داشت و همسر او (الهه باروری) «آیسیس» یا «آیزیس» نامیده می‌شد. البته گاهی این موقعیت‌ها جابه‌جا شده و الهه آسمان به صورت مونث (نوت) و خدای زمین به چهره مذکر (گب) درمی‌آمد.<sup>۴</sup>

این اعمال براساس قوانین سحر و جادو توجیهاتی پیدا می‌کرد. برای نمونه اعمال جنسی علنی و جشن‌هایی که در آن‌ها رفتارهای ضداخلاقی آشکارا صورت می‌گرفت، با قانون «تشابه» در جادوگری هماهنگ بود. این قانون می‌گوید: «هر چیزی مشابه خود را ایجاد می‌کند»، از این رو برای باروری هر چه بیش‌تر زمین، باید عمل جنسی و باروری را آشکارا و دسته‌جمعی در برابر «بت زمین» انجام داد تا زمین هم تحریک گردد و تولیدات بیش‌تری از خود بروز دهد.<sup>۵</sup>

در بسیاری از کشورهای جهان نیز هنگام کاشت یا برداشت محصول، هم‌آغوشی یا رابطه جنسی همسران و غیر همسران رایج بوده و در موارد زیادی هنوز هم ادامه دارد.<sup>۶</sup> البته این آیین‌ها و نمادها همواره معنای ثابتی نداشته و در بحر مفاهیم و معنا شناور بوده است.

به هر حال برای ابلیس و شیاطین در آن دوران نام و آوازه، مهم نبود، بلکه داشتن پیروانی جاهل و

بندگان تسلیم شده، رضایت بخش تر و خواستنی تر بود. در دوره‌های ظهور ادیان توحیدی و غلبهٔ تعالیم انبیا، با این که امکان علنی شدن ایدئولوژی شیطانی وجود نداشت، باز هم شاهد رگه‌هایی از تفکرات شیطانی هستیم. گوساله‌پرستی قوم بنی‌اسرائیل در غیاب حضرت موسی، آتش‌پرستی زرتشتیان و گاوپرستی هندوها، نمونه‌هایی از این تفکرات است. این نوع اندیشه‌ها به تدریج توسعه یافته و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

تداوم و بازتولید پی‌درپی شیطان‌گرایی در ادوار مختلف و تا روزگار ما به دلیل این بود که قوم بنی‌اسرائیل در سه هزار سال پیش در مصر، بابل، بین‌النهرین و به‌طور کلی مناطق شمال و شرق آفریقا، جنوب شرقی اروپا و خاورمیانه پراکنده و سرگردان شده بودند و به ترویج این نوع افکار در بین ملل مختلف می‌پرداختند، از این رو مردم سایر بلاد، علوم و آیین‌های گوناگون را از آن‌ها آموختند. ولی در دوره‌هایی که انبیا در بین اقوام و ملل به نشر تعالیم دینی می‌پرداختند، شیطان‌گرایی سرکوب شد، لیکن این آیین‌ها و باورها ریشه‌کن نشد، بلکه به‌صورت سری و محرمانه، در بین گروه‌هایی از قوم بنی‌اسرائیل یا اقوام دیگر هم‌چنان باقی ماند. به طوری که از آن روزگار قوم بنی‌اسرائیل حامل بقای مذاهب انحرافی و عرفان‌های شیطانی هستند.

#### شیطان‌گرایی در قرون وسطا

در دورهٔ گذر از شیطان‌گرایی بدوی به شیطان‌گرایی قرون وسطایی، یک اتفاق مهم رخ می‌دهد که در واقع سنگ بنای شیطان‌پرستی را تا دورهٔ مدرن مستحکم می‌سازد. آن اتفاق این بود که

قوم بنی‌اسرائیل (به احتمال قوی) برای منع دیگران از فراگیری علوم و دانش‌ها، داستان شجرهٔ ممنوعه را در تورات به صورتی انحرافی تفسیر نمودند و گفتند حضرت آدم به دلیل نزدیک شدن به درخت علم و دانش، از بهشت اخراج گردید که این موضوع از کتاب «سفر پیدایش عهد عتیق» به کتاب «عهد جدید مسیحیت» نیز پیوست و مسئلهٔ تضاد علم و دین را به ارمغان آورد و متأسفانه همین معنای انحرافی به کشورهای اسلامی نیز سرایت کرد. البته تا پیش از آن، در تعالیم پیامبرانی مثل نوح، شیث، ادريس (هرمس)، که بعدها خدای حکمت شناخته شد) و ابراهیم، عقل و دانش انعکاس انوار خداوند و شالودهٔ الهی آفرینش معرفی می‌شد<sup>۷</sup> و اسرار علوم و فنون به عنوان مطالعهٔ آیات خداوند در کتاب آفرینش پذیرفته شده بود.<sup>۸</sup> به‌هرحال با نگرارش نهایی تورات و انتقال مسئلهٔ درخت ممنوعه به کتاب مقدس مسیحیان، رفتن به سمت علم و دانش، عملی ضد دین و شیطانی پنداشته شد، لیکن ابلیس به‌عنوان مظهر خرد و دانایی و راهنمای بشر به سوی درخت معرفت درآمد.

در نگرش یهودی — مسیحی، فرشتگان اسیر خداوند بوده و شیاطین آن دسته از فرشتگانی هستند که برای آزادی سر به عصیان گذاشته‌اند. تبعیت انسان از شیطان نیز باعث آزادی از اطاعت پروردگار است. این احساس آزادی به خصوص برای کشاورزان و کارگران ضعیف خیلی خوشایند و خواستنی بود، چراکه آنان در قرون وسطا از همدستی کلیسا و اشراف رنج می‌بردند و به نام خدا در «بند مقامات دینی و دنیوی» اسیر و ذلیل شده بودند.

آن‌ها از تخیل نیروهای مرموز و سیاه‌چهره با پوست کلفت و چروکیده که شبیه پوست زحمت‌کشیده و رنج‌دیده خودشان بود، احساس آرامش و همدلی بیش‌تری می‌کردند. از این‌رو در سده‌های پایانی قرون وسطا، میل به شیطان‌پرستی و جادوگری در میان مردم اروپا بالا گرفت. گردهمایی‌هایی که با نام «سبت» یا «سابات» در روز شنبه برگزار می‌شد و در آن رابطه آزاد جنسی انجام می‌گرفت، هم به زندگی تهی از شادمانی آن‌ها هیجانی بی‌اندازه می‌داد و هم در مخالفت با تعالیم کلیسا، احساس خوشایند آزادی را در آن‌ها تقویت می‌کرد.

باید توجه داشت که این اعمال غیراخلاقی برای آن‌ها چندان غیر قابل تحمل نبود، زیرا چنین آموخته بودند که باید ناموسشان را در اختیار اربابان و اشراف قرار دهند. البته معنای نمادین «باروری» آن جشن‌ها، در دوره باستان و زندگی بدوی نیز برای رعیت‌های کشاورز قابل توجه بود.

با این وصف فکر می‌کردند که خیر و برکت بسیاری از شیطان به انسان رسیده و می‌رسد و «گاهی هم اگر شیطان قصد رسانیدن شری داشته، وقتی انسان‌های خوب و پرهیزکار، منصفانه با او رفتار کرده‌اند، حاصل کارش مبدل به خیر شده است.»<sup>۹</sup> اگرچه او انسان را به عصیان و سرکشی وامی‌دارد، اما انگیزه‌های سازنده‌ای مثل کنجکاو، دانش‌جویی و آزادی‌طلبی را در او برمی‌انگیزد و انسان را از قدرت و نفوذ بیش‌تری برخوردار می‌کند. «او میل و هوس به ناشناخته‌ها را در ما تهییج می‌کند، رؤیا و امید به ما می‌دهد و تلخی و

ناخشنودی عطا می‌نماید، اما در پایان ما را به بهترین‌ها رهنمون می‌شود و بدین ترتیب بیش‌تر در خدمت خیر است. او همان نیرویی است که در راه شرارت می‌کوشد، اما مسبب خیر می‌شود.»<sup>۱۰</sup>

گذشته از این، به او ویژگی‌ها و صفات قابل ستایش و تقدیر نیز می‌دادند؛ به گمان میلتنون، «او یک یاغی نجیب و اشرافی است که رنج جاودانی را بر تحقیر و اهانت ترجیح می‌دهد و صاحب قدرت و اثر در این دنیاست و مرگ را به جهان می‌آورد.»<sup>۱۱</sup> انسان می‌تواند با علم و دانش، به‌خصوص با فنون سحر و جادو، قدرت او را به دست آورد. در آن قرن‌ها علم و سحر به هم آمیخته بود، به همین جهت کلیسا به سختی با دانشمندان و جادوگران مبارزه می‌کرد. در تصور قرون وسطایی شیطان‌گرایان، «شیطان یک فردگراست. او فرمان‌های آسمانی را که رفتار و اصول اخلاقی خاصی را تحمیل می‌نمایند، بر هم می‌زند و واژگون می‌کند و تبعیت از او قدرت و لذت در زندگی را افزایش می‌دهد.»<sup>۱۲</sup>

#### شیطان‌گرایی مدرن

شیطان‌گرایی مدرن از نیمه قرن شانزدهم آغاز شد. «کاترین دومدیچی» از خانواده بزرگ یهودی و دخترش، «لورنز»، جادوگر بزرگ و همسر هنری دوم (پادشاه فرانسه) بود. بعد از مرگ همسرش، مراسم بلک‌مس (Black mass) را در بین اشراف و درباریان فرانسه بنیان گذاشت.<sup>۱۳</sup> این مراسم از روی مدل آیین‌های جادویی باروری باستانی و بدوی و گردهمایی‌های جادوگران در قرون وسطا بازسازی

شد و در مدت کوتاهی به دربار سایر کشورهای اروپا از جمله انگلستان، آلمان و اتریش نیز راه یافت.

پس از مدتی کودکان ناخواسته‌ای که پدرانشان معلوم نبود و مادران هم آن‌ها را نمی‌خواستند، به‌وجود آمدند. در این‌جا بود که با ابتکار «کاترین دشی» با نام مستعار «لاوازین» مراسم اتاق درخشان طراحی شد و آیین شیطان‌پرستی تکمیل گشت. این مراسم بازتولید آیین قربانی انسان بدوی بود. اتاق درخشان کاملاً سیاه‌پوش و تنها منبع روشنایی آن شمع بود. در این اتاق نوزادان ناخواسته، قربانی می‌شدند و خونشان به شیطان تقدیم می‌شد.<sup>۱۴</sup> پس از مدتی این قضیه افشا گردید و عده‌ای بازداشت و مجازات شدند، اما هنگامی که پای شخصیت‌های بلندپایه به پرونده کشیده شد، مقامات دستور توقف پیگیری را صادر کردند، چون برخلاف مصلحت حکومت می‌دانستند، در عین حال این مراسم به‌طور مخفیانه و محرمانه ادامه پیدا کرد.<sup>۱۵</sup>

این آیین‌ها در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم در قالب گروه‌های سرّی که توسط طبقه اشراف ایجاد و رهبری می‌شد، ادامه یافت، گروه‌هایی نظیر: «ژرمن باکسن»، «پسران نیمه‌شب»، «موهاکس‌ها» و «نفرین‌شدگان». بعضی از این گروه‌ها مثل پیروان «انجمن آتش دوزخ» بسیار گسترده بوده و شاخه‌های متعدد داشتند.<sup>۱۶</sup>

در قرن نوزدهم دکتر «چارلز هاکس» نوشت: «در سراسر جهان، شیطان را صادقانه‌تر و بیش از گذشته و در مقیاس عظیم‌تری پرستش می‌کنند.»<sup>۱۷</sup> در همین قرن برای جانداختن و مقبولیت شیطان‌پرستی کوشش‌های بسیاری صورت گرفت.

«دیانا وگان» در کتابی به‌نام «اعترافات» داستان زنان شیطان‌پرست را مطرح کرد که در اروپا، محافلی اداره می‌کردند و مردان را در مراسم خود می‌پذیرفتند. او نقل می‌کند که چگونه در این گروه‌ها برای پرستش شیطان، دست به اعمال غیرانسانی زده و در انتظار روزی بودند که اصول اخلاقی مقبول جامعه را براندازند. البته بعداً معلوم شد که این داستان دروغ بوده، ولی برای معرفی و ترویج شیطان‌پرستی و سنجش اقبال مردم به آن، نقش مؤثری داشته است.

امروزه دو جریان اصلی شیطان‌پرستی در جهان رواج دارد؛ نخست شیطان‌گرایی لاوایی (Satanism)، که با چهره شاخص «آنتوان ساندور لاوی» شناخته می‌شود. او با تأسیس کلیسای شیطان و نوشتن انجیل شیطانی، در سال ۱۹۶۵ خود را جانشین کرولی و پاپ کلیسای شیطان معرفی کرد. پیروان این جریان معتقدند که موجودی به‌نام شیطان وجود عینی ندارد و شیطان تنها نماد امیال، آرزوها و لذت‌طلبی انسان است.

لاوی در آغاز کار، دوست و همکاری به‌نام «مایکل آکینو» داشت که در پی اختلاف عقیده با لاوی از او جدا شد و در سانفرانسیسکو، معبد «ست» را تأسیس کرد و جریان ستیانیت را به راه انداخت. ستیانیت‌ها به وجود عینی شیطان به عنوان پادشاه تاریکی معتقد هستند و سازمان مخفی و مخوف معبد «ست» را رهبر جنبش جهانی شیطان‌پرستی می‌دانند. این جنبش امروزه در ابعاد وسیعی فعالیت می‌کند، به‌ویژه در عرصه‌های فرهنگی مثل نشر کتاب، نشریات و سینما پرکارند.

## دانشمند شیطان پرست و ابداع جدید

در آغاز قرن بیستم چهره برجسته و رسوای شیطان پرستی دانشمندی به نام «الیستر کرولی» شناخته شد. او تحقیقاتش را درباره حقیقت بشر و اعمال شیطانی در سال ۱۸۹۸ هنگام پیوستن به گروه «هرمتیک اوردر» آغاز کرد. سپس به جامعه جادوگران انگلیسی زبان، ملحق شد که اعضای مثل «دبلیو بییتس»، «آرتور مکن» و «دیون فورچون» داشت. بعدها به طور شخصی اعمال شیطانی بی سابقه‌ای را ابداع کرد و طرفدارانی به دورش گرد آمدند و انجمن «شیطان برای شیطان» را به رهبری خود تشکیل داد. این امر باعث شد که پایگاهی دائمی در جزیره چفالو واقع در سیسیل دایر کند و نام آن را صومعه تلما (Telem Abbey) بگذارد. او در سال ۱۹۴۷ از دنیا رفت و در مراسم تدفینش، مراسم بلاک مس اجرا شد.<sup>۱۸</sup>

در همین سال‌ها دکتر «جرالد بروسو گاردنر» که از اعضای گروه «سپیده طلایی» بود، مطالعات گسترده‌ای را درباره آیین‌های بدوی و مذاهب باستانی انجام داد و روی اندیشه‌های کرولی بسیار مطالعه کرد تا این که در جزیره «من» در انگلستان در آسیایی قدیمی «موزه جادوگری» دایر نمود.

\* \* \*

### ● پی‌نوشت‌ها:

۱. ژاک لانتیه، دهکده‌های جادو، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۲. نک: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۶۲۰.

۳. جیمز جورج فریزر، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، ص ۳۲۷-۳۳۱.

۴. جرج هارت، اسطوره‌های مصری، ترجمه عباس مخبر، ص ۱۲.

۵. نک، ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۷۹.

۶. همان، ص ۱۸۳.
۷. ر.ک: حسین کلباسی اشتری، هریمس و سنت هریمسی، بخش اول.
۸. تیموتی فریک، هرمتیکا، ترجمه فریدالدین رادمهر، ص ۹۳-۹۵.
۹. همان، ص ۳۴۸.
۱۰. همان، ص ۳۳۴.
۱۱. همان، ص ۳۳۳.
۱۲. همان، ص ۳۴۸.
۱۳. پیتر هایتیک، سیری در تاریخ جادوگری، ترجمه هابده لولایی، ص ۹۰.
۱۴. همان، ص ۹۲.
۱۵. همان، ص ۹۳.
۱۶. همان، ص ۱۰۱.
۱۷. همان، ص ۱۰۳.
۱۸. همان ص ۱۰۶-۱۰۷.